



Res. article

The tense-aspect-mood in Khezeli Kurdish

Masoud Mirzabeigi¹, Habib Gowhari^{2✉}, Tayebeh Khoshbakht³, Akbar Azizifar

1- Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. 2- Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. 3- Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. 4- Assistant Professor, Department of Teaching English Language, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran.

Received: 2020/24/01

Accepted: 2021/09/05

Abstract

The purpose of this study is to describe tense, aspect, and mood in Khezeli a member of the South-Western Iranian languages family. The data was retrieved from a corpus of audio files and transcribed notes gathered from native speakers living in Karezan district of Ilam province. Like many languages, in Khezeli, the tense, mood, and aspect categories are coded fusionally. Thus, these three categories were investigated as one category called tense-aspect-mood category. The results showed that the future tense is not coded in this dialect. As a result, the context and time adverbials are the only devices to differentiate the future tense from the present tense. In addition, the past and present tenses as well as five aspects are inflectionally coded: perfective, progressive imperfective, non-progressive imperfective, perfect and non-perfect aspects. Khezeli also consists of five moods: indicative, indicative/injunctive, subjunctive, imperative, conditional/optative. It was revealed that perfect/non-perfect and perfective/non-perfect dichotomies are not the same in Khezeli; because, perfect/imperfective and non-perfect/perfective aspects can co-occur in this dialect. On the whole, Khezeli consists of 15 tense-aspect-mood categories. Four of them are in the present tense and the remaining eleven are in the past tense. All of the categories have subject-object case marking system.

Keywords: Khezeli Kurdish, tense, aspect, mood.

Citation: Mirzabeigi, M., Gowhari, H., Khoshbakht, T., Azizifar, A. (2021). The tense-aspect-mood in Khezeli Kurdish. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 9 (33), 103-121. (In Persian)





زمان - وجه - نمود در گویش کردی خزلی

مسعود میرزا بیگی^۱، حبیب گوهری^۲، طیبه خوشبخت^۳، اکبر عزیزی فر^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. ۲- استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. ۳- استادیار گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه علوم پزشکی، ایلام، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۹

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۴

چکیده

هدف نوشتار پیش رو توصیف، تبیین و بررسی نظام زمان، وجه و نمود در گویش خزلی از خانواده کردی جنوبی است. داده‌های پژوهش از بررسی فایل‌های صوتی به صورت پیکره‌ای، مصاحبه‌های هدایت‌شده و یادداشت‌های آوانویسی‌شده از گویشوران بومی روستاهای بخش کارزان در استان ایلام طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ گردآوری شده‌اند. به‌مانند بیشتر زبان‌های جهان، مقوله‌های زمان، وجه و نمود در این گونه زبانی نیز درهم‌تندگی و هم‌پوشانی ساختاری دارند؛ بنابراین، به‌مثابه مقوله‌ای با عنوان زمان-وجه - نمود بررسی شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که در کردی خزلی زمان دستوری آینده هیچ‌گونه بازنمایی صرفی ندارد و تشخیص مفهوم این زمان تنها از راه قیده‌های زمان آینده یا موقعیت بافتی ممکن است؛ افزون بر این، در گویش یادشده دو زمان گذشته و حال و پنج نمود تام، ناقص استمراری، ناقص غیر استمراری، کامل و ناکامل و پنج وجه اخباری، اخباری - تأکیدی، التزامی، امری و شرطی - آرزویی بازنمایی می‌شوند که از برآیند آن‌ها پانزده ساخت «زمان-وجه - نمود» به دست می‌آید. از این پانزده ساخت، چهار ساخت در زمان حال و یازده ساخت در زمان گذشته است. تمامی پانزده مورد ساخت فاعلی - مفعولی دارند.

کلیدواژه‌ها: کردی خزلی، زمان، وجه، نمود.

استناد: میرزا بیگی، مسعود؛ گوهری، حبیب؛ خوشبخت، طیبه؛ عزیزی فر، اکبر (۱۳۹۹). زمان - وجه - نمود در گویش کردی خزلی.

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۹ (۳۳)، ۱۰۳-۱۲۱.

۱- مقدمه

مقوله‌های ذاتی تصریفی فعل برای بیشتر زبان‌های دنیا زمان^۱، وجه^۲، نمود^۳، قطیبت^۴، جهت^۵ و مطابقت^۶ هستند (اسپنسر^۷، ۱۹۹۱ و ۲۰۱۳). از میان این مقوله‌ها، بازنمایی سه مقوله زمان، وجه و نمود متفاوت از دیگر مقوله‌ها است؛ زیرا، به طور معمول این سه مقوله هم‌پوشانی و درهم‌تنیدگی ساختاری دارند به گونه‌ای که بررسی هر کدام به صورت جداگانه و با عنوان مقوله‌ای مجزا دشوار و در بسیاری از موارد ناممکن است (بیکل و نیکولز^۸، ۲۰۱۳ و بویج^۹، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر، مقوله‌های زمان، وجه و نمود در کردی خزلی معاصر بازنمایی و ساخت‌های زمانی ناشی از تلاقی آن‌ها، بررسی شده است.

خزلی از گویش‌های کردی جنوبی است و گویشوران بومی این گونه زبانی، افزون بر مناطق مختلفی در ایران، در برخی کشورهای دیگر از جمله عراق و ترکیه سکونت دارند. گویش جنوبی بسیاری از خزل‌های خارج از ایران به دلیل تغییرات در زمانی به گونه‌های کردی شمالی تغییر یافته است (کرزون^{۱۰}، ۱۳۸۷: ۷۰۷). در ایران، گویشوران بومی کردی خزلی به طور عمده در بخش‌هایی از شهرستان‌های سیروان و چرداول در استان ایلام، بخش فیروزان در استان همدان، شهرستان شاهین‌دژ در استان آذربایجان غربی و نیز در قسمت‌هایی از شهرستان قصرشیرین در استان کرمانشاه سکونت دارند. پژوهش‌های فراوانی درباره چگونگی بازنمایی مقوله‌های زمان، وجه و نمود در زبان‌های مختلف انجام شده است که در ادامه به تعداد محدودی از آن‌ها اشاره می‌شود.

بررسی‌های لمبتون^{۱۱} (۱۹۷۴) نشان می‌دهد که در زبان فارسی مقوله‌های تصریفی زمان، وجه و نمود به طور کلی بازنمایی صرفی دارند. لمبتون فعل‌های پریسامد فارسی را از جنبه‌های مختلف دستوری و از جمله، از زاویه مقوله‌های تصریفی فعل بررسی کرده است. نتایج پژوهش وی نشان

1. tense
2. mood
3. aspect
4. polarity
5. voice
6. agreement
7. A. Spencer
8. B. Bickel & J. Nichols
9. G. Booij
10. G. N. Curzon
11. A. K. S. Lambton

می‌دهد که سه زمان گذشته، حال و آینده در زبان فارسی بازنمایی صرفی دارند؛ همچنین، نمود به دو صورت کامل^۱ و ناکامل^۲ صورت‌بندی می‌شود. افزون بر این، وجه‌های امری، خبری، پرسشی، التزامی، شرطی و آرزویی نیز در زبان فارسی بازنمایی صرفی دارند.

در پژوهشی دیگر، عباسی و نجفیان (۱۳۹۵) نظام زمان - وجه - نمود را در گویش هورامی پاوه‌ای از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش به وجود نظام پیچیده و غنی زمان - وجه - نمود در گویش هورامی اشاره دارد؛ همچنین، تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که نظام زمان - وجه - نمود در هورامی پاوه‌ای دارای دو زمان حال و گذشته، پنج نمود تام^۳، ناقص^۴ استمراری^۵، ناقص غیر استمراری^۶، کامل و ناکامل و نیز، دارای پنج وجه اخباری، اخباری/تأکیدی، التزامی، امری و شرطی/آرزویی است که با هم هفده ساخت زمانی مختلف می‌سازند. افزون بر این، در گویش هورامی پاوه‌ای نمودهای تام و ناقص در کنار نمودهای کامل و ناکامل وجود دارند.

مرادی (۱۳۹۲) در بررسی فعل‌های کمکی و جهی در کردی سورانی، از سه فعل «باید/شاید»، «شدن» و «توانستن» به‌مثابه ابزار وجه‌نمایی نام برده است؛ از سوی دیگر، مرادی (۱۳۹۱) افزون بر سه فعل پیش گفته، به حضور پیشوند التزامی در وجه‌نمایی اشاره داشته است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۶۰۲) حضور پیشوند «-æ» بر سر فعل در کردی بانه‌ای را نشانه نمود ناقص و وجه اخباری دانسته و از آن با عنوان نشانه وجه - نمود نام برده است؛ همچنین، کریمی‌دوستان (۱۳۸۰: ۱۰۳) نیز در بررسی کردی بدره‌ای از گونه‌های کردی جنوبی استان ایلام، حضور پیشوند «-æ» بر سر فعل را نشانه اخباری بودن وجه فعل می‌داند.

۲- روش پژوهش

عمده داده‌های استفاده‌شده در پژوهش پیش رو به وسیله یکی از نگارندگان که خود از گویشوران کردی خزلی است، به صورت پیکره‌ای از کلام ضبط‌شده گویشوران، مصاحبه‌های هدایت‌شده و یادداشت‌های آوانویسی‌شده در طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ گردآوری شده‌اند. به منظور اطمینان از اعتبار داده‌ها، گویشوران از میان افراد مسن و ساکنان بومی انتخاب شدند.

1. perfect
2. non-perfect
3. perfective
4. imperfective
5. progressive
6. non-progressive

۳- چارچوب نظری

نوشتار پیش رو بر اساس دیدگاه کامری^۱ (۱۹۷۶) در مورد مقوله‌های زمان، وجه نمود انجام شده است. کامری تقابل تام - ناقص و کامل - ناکامل را در مورد نمود از یکدیگر متمایز می‌داند، هرچند که این دو در برخی زبان‌ها ممکن است انطباق داشته باشند. زمان، وجه و نمود سه مقوله ذاتی تصریفی فعل هستند که در بیشتر زبان‌ها صورت‌بندی می‌شوند. پیچیدگی، هم‌پوشانی و درهم‌تنیدگی ساختاری این سه مقوله مورد اجماع بسیاری از زبان‌شناسان از جمله (بویج، ۲۰۰۷؛ بیگل و نیکولز، ۲۰۱۳ و درایر و هاسپلمث^۲، ۲۰۱۳) است. به همین دلیل، به طور معمول در مطالعات صرفی این سه مقوله با عنوان یک مقوله زمان - وجه - نمود بررسی می‌شوند. در پژوهش حاضر نیز از این شیوه پیروی شده است.

زمان فعل یا زمان دستوری به وسیله زبان‌شناسان مختلفی بررسی و تعریف‌های متعددی برای آن ارائه شده است. این مقوله گاهی ساده و روشن و گاهی پیچیده و دارای برخی ابهامات توصیف شده است. آگوستین^۳ (۱۹۶۰) قائل به وجود سه زمان است. زمان گذشته، حال و آینده. گیون^۴ (۲۰۰۱): ۲۸۶-۲۸۷) مقوله زمان را شامل بازنمایی سیستماتیک رابطه بین دو نقطه در امتداد بُعد خطی و ترتیبی زمان می‌داند. این دو نقطه عبارت‌اند از: زمان ارجاع^۵ و زمان رخداد^۶. وی به طور کلی زمان را پدیده‌ای منظورشناسانه می‌داند تا اینکه پدیده‌ای معنی‌شناسانه - موضوعی باشد. بر اساس گیون، سه زمان اصلی و یک زمان چهارمی که ماهیت آن قدری مبهم است، قابل تمایز است: زمان گذشته، زمان آینده، زمان حال و زمان عادی^۷. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کامری (۱۹۸۵: ۳۹) نیز از سه زمان گذشته، حال و آینده نام برده است، اما، وی مفهوم عادی را به‌مثابه یک زمان چهارم در کنار سه زمان گذشته، حال و آینده فهرست نکرده؛ بلکه به طور کلی این مفهوم را مرز بین نظام‌های زمان، وجه و نمود می‌داند. شوپن^۸ (۱۹۸۱: ۳۱۵) نیز دسته‌بندی مشابه گیون (۲۰۰۱) انجام داده و از چهار زمان گذشته، حال، آینده و دور نام برده است. از نظر شقاقی

1. B. Comrie

2. M. S. Dryer & M. Haspelmath

3. S. Augustine

4. T. Givón

5. reference time

6. event time

7. habitual

8. T. Shopen

(۱۳۹۴) زمان مقوله‌ای معنایی مرتبط با فعل است و بیان مفهوم دستوری زمان به مشخصه تصریفی فعل گفته می‌شود که با موقعیت زمانی رویداد فعلی، به‌ویژه گونه رویداد گفتاری مرتبط است و سه ارزش گذشته، حال و آینده دارد.

وجه مقوله‌ای تصریفی مرتبط با فعل است که گوینده به وسیله آن نگرش خود را نسبت به جریان وقوع فعل بیان می‌دارد. پالمر^۱ (۲۰۰۱: ۱) وجهیت^۲ را متفاوت از وجه و نمود و زمان دستوری می‌داند، زیرا وجهیت به طور مستقیم به هیچ‌کدام از مشخصات یک رخداد اشاره نمی‌کند و در عوض به سادگی به وضعیت آن گزاره می‌پردازد. میتون^۳ (۱۹۹۹) وجه را دیدگاه گوینده نسبت به قطعی یا غیر قطعی بودن یا واقعی یا غیر واقعی بودن کنش یا وضعیتی می‌داند. استامپ^۴ (۲۰۰۱) وجه را مقوله‌ای از ویژگی‌های صرفی - نحوی فعل می‌داند که به‌مثابه ویژگی ذاتی فعل، راه‌هایی که یک موضوع ممکن است با واقعیت موجود در ذهن گوینده مرتبط باشد را از هم متمایز می‌کند. بنابر باور استامپ (۲۰۰۱) مرز بین سه مقوله وجه، نمود و زمان، گاهی مبهم است؛ برای مثال، زمان آینده به صورت ذاتی غیر حقیقی است و این موضوع بین زمان دستوری و وجه فعل مشترک است. شقاقی (۱۳۹۴) وجه را مجموعه‌ای از مقوله‌های صرفی می‌داند که میزان اعتقاد گوینده به باورپذیری، ضرورت، مطلوبیت یا واقعیت گزاره مورد نظر را نمایان می‌سازد و با ارزش‌هایی همچون امری، خبری، شرطی، التزامی، تمنایی و... بیان می‌شود.

کامری (۱۹۷۶) نمود را به‌مثابه شیوه‌های گوناگون مشاهده سازواری زمانی درونی^۵ یک موقعیت معرفی می‌کند. کامری با بیان دو جمله از زمان‌های گذشته ساده و گذشته استمراری در زبان انگلیسی تصریح می‌نماید که تفاوت این دو جمله در زمان فعل نیست، زیرا زمان هر دو فعل گذشته است؛ اما آنچه باعث تمایز این دو می‌شود، نمود دو فعل است که در گذشته استمراری دارای نمود ناقص و در گذشته ساده دارای نمود کامل است. وی در یک دسته‌بندی کلی، نمود را به دو دسته تام و ناقص تقسیم می‌کند (کامری، ۱۹۷۶: ۴). نمود ناقص خود به دو دسته عادی و تداومی^۶ تقسیم می‌شود و نمود ناقص تداومی نیز شامل دو نوع استمراری (مستمر ملموس) و غیر استمراری (تکرارشونده)

1. F. R. Palmer
2. modality
3. M. mithun
4. G. Stump
5. internal temporal constituency
6. continuous

است (کامری، ۱۹۷۶: ۲۵). وی، همچنین، از نمودهای کامل و ناکامل نام می‌برد که از نمودهای تام و ناقص متفاوت هستند؛ زیرا، نمودهای تام و ناقص به ساختار درونی رویداد می‌پردازند، در حالی که نمودهای کامل و ناکامل چنین نیستند (کامری، ۱۹۷۶: ۵۲-۷۰).

از آنجا که نمودهای کامل و ناکامل توصیفی برون‌ساختاری از رویداد فعل دارند و این موضوع با تعریف کامری (۱۹۷۶) از نمود هم‌سوایی ندارد، برخی از زبان‌شناسان از جمله کروژ^۱ (۲۰۰۶) و کریستال^۲ (۲۰۰۸) تقابل کامل - ناکامل بودن نمود را مربوط به مقوله‌ی زمان دانسته‌اند و نمود کامل را به‌مثابه‌ی نماینده‌ی رخدادی که پیش از زمان حال پایان پذیرفته می‌دانند. نمودهای تام و ناقص به‌الزام برابر با نمودهای کامل و ناکامل نیستند؛ زیرا، در برخی زبان‌ها مواردی یافت می‌شود که نمود فعل تام و در عین حال، ناکامل است یا مواردی نیز وجود دارد که نمود فعل ناقص اما کامل است. جمله‌های زیر چنین وضعیتی را نشان می‌دهند:

۱) خدمت سربازی‌ام را به پایان رسانده‌ام.

۲) کارت پایان خدمت را به من ندادند.

۳) شاید هم، همان روز پایان خدمت کارتم را گرفته بوده باشم.

در جمله‌ی (۱)، نمود فعل تام و کامل است. در جمله‌ی (۲)، نمود تام اما ناکامل است؛ زیرا مشخص نیست تا زمان اکنون هم کارت را نداده باشند. در جمله‌ی (۳)، نمود ناقص، اما کامل است. شوپن (۱۹۸۱: ۳۰۴) بخش اعظم آنچه نمود نامیده می‌شود را براساس چهار نمود کامل، نمود استمراری، نمود تام و نمود تکرارشونده قابل توصیف می‌داند.

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش، به توصیف مقوله‌های زمان، وجه و نمود در کردی خزلی پرداخته می‌شود و ساخت‌های زمانی مختلفی که از ترکیب حالت‌های گوناگون این سه مقوله در این گویش زبانی امکان‌پذیر هستند بررسی می‌شوند. در این گویش دو ستاک حال و گذشته مبنای ساختن زمان‌های مختلف قرار می‌گیرند. در کردی خزلی زمان آینده بازنمایی صرفی ندارد، نظام حالت از نوع فاعلی - مفعولی یگانه است و تصریف فعل هیچ‌گونه تأثیری از دو جنس مذکر و مؤنث نمی‌پذیرد. در تمامی فرمول‌های به کار رفته در این پژوهش، علامت «/» نشانه‌ی «یا» است. و بیان‌گر آن است که بسته به

شرایط آوایی تکواژ پایانی فعل، فقط یکی از تکواژهای دو طرف این علامت به کار گرفته می‌شود؛ همچنین، علامت «+» بیان‌گر مرز بین دو واژه مجزاً و علامت «-» مرز بین تکواژهای درون یک واژه است؛ همچنین، برای آوانویسی واژگان در گویش کردی خزلی، پایان‌نامه خوشبخت (۱۳۸۴) که به توصیف نظام آوایی این گویش پرداخته است، به‌مثابه مرجع استفاده شده است.

۴-۱- زمان حال

همه ساخت‌های زمانی که بر اساس زمان حال در گویش خزلی به وجود می‌آیند، از ستاک حال فعل ساخته می‌شوند.

۴-۱-۱- حال ساده ناقص غیر استمراری ناکامل

این زمان دستوری که با نام حال ساده یا مضارع اخباری شناخته می‌شود، دارای زمان حال ساده، نمود ناقص غیر استمراری ناکامل و وجه اخباری است. فرمول ساخت این زمان به صورت زیر است:

mæ/m(AM ⁶)+Verb(PRS ⁷)+	əm(1P ¹ .SL ²)
	i(2P ³ .SL)
	e:/e:g/u(3P ⁴ .SL)
	im/imən(1P.PL ⁵)
	in(2P.PL)
	ən(3P.PL)

جمله‌های (۱) و (۲)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

- 1) kətaw-æ'
book-Def⁸
کتاب را می‌خرم.
- 2) mæ-xæn-ən
AM-laugh-3P.PL
می‌خندند.

mæ-sin-əm
AM-buy-1P.SL

در این زمان، همان‌گونه که مثال‌های (۱) و (۲)، نشان می‌دهند، پیشوند «mæ-» که به ابتدای فعل

1. first person
2. singular
3. second person
4. third person
5. plural
6. aspect-mood
7. present (verb word)
8. definite

افزوده شده، بیان‌گر ناقص بودن نمود و اخباری بودن وجه - به صورت توأمان - است. این موضوع در تمامی ساخت‌های زمان حال در خزلی صادق است.

۴-۱-۲- حال اخباری ناقص استمراری ناکامل

این زمان دستوری که با نام حال استمراری یا مضارع استمراری شناخته می‌شود، دارای زمان حال، نمود ناقص استمراری ناکامل و وجه اخباری است. نمود ناقص استمراری در این ساخت از راه تصریف فعل ربطی «*dəstən*» به معنای «داشتن» بازنمایی می‌شود. فرمول ساخت این زمان به صورت زیر است:

de:r(be.PRS)-	əm(1P.SL)+mæ/m+Verb(PRS)-	əm(1P.SL)
	i(2P.SL)	i(2P.SL)
	e:/e:g(3P.SL)	e:/e:g/u(3P.SL)
	im/imən(1P.PL)	im/imən (1P .PL)
	in(2P.PL)	in(2P.PL)
	ən(3P.PL)	ən(3P.PL)

جملات (۳) و (۴)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

3) de:r- id-æ -mæ-čī-d
be(PRS)-2P.SL-LNK¹-AM-go-2P.SL

داری می‌روی.

4) de:r-ən-æ-mæ-sin-ən
be(PRS)-3P.PL-LNK-AM-go-3P.PL

دارند می‌خرند.

۴-۱-۳- حال امری ناقص غیر استمراری ناکامل

در گویش خزلی، فعل امر با افزودن پیشوند «*bə*» به آغاز ستاک حال فعل ساخته می‌شود. فعل امر دارای دو صیغهٔ دوم‌شخص مفرد و جمع است و ساخت آن مطابق با فرمول زیر است:

bə-Verb(PRS)-Ø(2P.SL)
bə-Verb(PRS)-ən(2P.PL)

جملات (۵) و (۶)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

5) bə-sin-Ø
IMP²-buy(PRS)-2P.SL

بخر.

6) bə-zən-ən
IMP-know(PRS)-2P.PL

بدانید.

۴-۱-۴- حال التزامی ناقص غیر استمراری ناکامل

حال التزامی یا مضارع التزامی با افزودن پیشوند «bə-» به ابتدای ستاک حال فعل ساخته می‌شود و دارای زمان حال، نمود ناقص غیر استمراری ناکامل و وجه التزامی است. فرمول ساخت آن به شکل زیر است:

bə(SUB ¹)+Verb(PRS)+	əm(1P.SL)
	i(2P.SL)
	e:/e:g/u(3P.SL)
	im/imən(1P.PL)
	in(2P.PL)
	ən(3P.PL)

در این زمان دستوری، حضور پیشوند «bə-» بیان‌گر نمود ناقص و وجه التزامی - به صورت توأمان - است. جملات (۷) و (۸)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

7) bə-niš-im
SUB-sit down(PRS)-1P.PL

بنشینیم.

8) bə-xwəz-ən
SUB-want(PRS)-3P.PL

بخواهند.

۴-۲- زمان گذشته

در گویش خزلی، ساخت‌هایی که زمان دستوری در آن‌ها گذشته است، از ستاک گذشته فعل ساخته می‌شوند.

۴-۲-۱- گذشته اخباری تام ناکامل

این زمان دستوری، که گذشته ساده خوانده می‌شود، دارای زمان گذشته، نمود تام ناکامل و وجه اخباری است و از ترکیب ستاک گذشته فعل و شناسه‌های مطابقت فاعلی مانند فرمول زیر ساخته

می شود:

Verb(PST ¹)+	əm(1P.SL)
	i(2P.SL)
	Ø(3P.SL)
	im/imən(1P.PL)
	in(2P.PL)
	ən(3P.PL)

جمله‌های (۹) و (۱۰) که به ترتیب لازم و متعدی هستند، نشان می‌دهند که ساخت این زمان دستوری در افعال لازم و متعدی یکسان است؛ زیرا این گویش زبانی دارای نظام حالت فاعلی - مفعولی یگانه است.

9) mə	če:-m
I	go(PST)-1P.SL

من رفتم.

10) εimæ	həmæ	bərd-im(imən)
We	you(OBJ ²)	take(PST)-1P.PL

ما شما را بردیم.

۴-۲-۲- گذشته اخباری ناقص غیر استمراری ناکامل

این زمان دستوری از ستاک گذشته فعل ساخته می‌شود و نشان‌گر کنشی است که در زمان گذشته به صورت تکرارشونده انجام گرفته است. تداومی بودن این کنش دلیل ناقص بودن نمود در این برش زمانی است؛ اما دلیل ناکامل بودن نمود این است که مشخص نیست انجام این کنش تا زمان حال هم ادامه داشته باشد. فرمول ساخت این زمان به صورت زیر است:

m/mæ(AM)+Verb(PST)+	əm(1P.SL)
	i(2P.SL)
	Ø(3P.SL)
	im/imən(1P.PL)
	in(2P.PL)
	ən(3P.PL)

جملات (۱۱) و (۱۲)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

11) εrɑ	məsəbəQæ	təmrin-æ-mæ-kərd-im(imən)
for	match	exercise-LNK-AM-do(PST)-1P.PL

به خاطر مسابقه تمرین می‌کردیم.

12) $\varepsilon\alpha$ kwænkur dærs-æ-mæ-xwænəs-in
 For konkoor lesson-LNK-AM-study(PST)-2P.PL

برای کنکور درس می‌خواندید.

۴-۲-۳- گذشته اخباری - تأکیدی ناقص استمراری ناکامل

این زمان نیز از ستاک گذشته فعل ساخته می‌شود و نشان‌گر کنشی است که در زمان گذشته به صورت مستمر - ملموس در جریان بوده است. وجه فعل اخباری - تأکیدی و نمود آن ناقص استمراری ناکامل است. فرمول این زمان به صورت زیر است:

be(PRS)-	$\varepsilon m(1P.SL)+mæ/m+Verb(PRS)-$	$\varepsilon m(1P.SL)$
	i(2P.SL)	i(2P.SL)
	e:/e:g(3P.SL)	e:/e:g/u(3P.SL)
	im/imən(1P.PL)	im/imən (1P .PL)
	in(2P.PL)	in(2P.PL)
	ən(3P.PL)	ən(3P.PL)

جملات (۱۳) و (۱۴)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

13) $d\alpha\text{ʃt-i-}\varepsilon\text{-m}\varepsilon\text{-x}\varepsilon\text{ft-i}$
 be(PST)-2P.SL-LNK-AM-sleep(PST)-2P.SL

داشتی می‌خوابیدی.

14) $d\alpha\text{ʃt-}\varepsilon n$ $\varepsilon\alpha$ $m\text{əs}\alpha b\text{ə}Q\alpha$ $t\text{æ}m\text{r}\text{in-}\varepsilon\text{-m}\varepsilon\text{-k}\text{ə}r\text{d-}\varepsilon n$
 be(PST)-3P.PL for match exercise-LNK-AM-do(PST)-3P.PL

داشتند برای مسابقه تمرین می‌کردند.

۴-۲-۴- گذشته اخباری تام کامل

از این زمان دستوری با نام‌های ماضی نقلی یا حال کامل نیز یاد می‌شود. نمود فعل تام است؛ زیرا کنش به طور کامل انجام گرفته است؛ از طرفی دیگر، این نمود کامل است، زیرا انجام کنش در زمان کنونی ملموس است. فرمول ساخت این زمان به صورت زیر است:

Verb(PST)+	$\varepsilon m\text{æ}(1P.SL)$
	i\text{æ}(2P.SL)
	e:\text{æ}(3P.SL)
	im\text{æ}/im\text{ən}\text{æ}(1P.PL)
	in\text{æ}(2P.PL)
	\text{ən}\text{æ}(3P.PL)

جملات (۱۵) و (۱۶)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

15) $h\text{ət-im}\text{ən-}\varepsilon$

come(PST)-1P.PL-present.PRF¹

آمده‌ایم.

16) xwərmə

xwərd-ən-æ

Date

eat(PST)-3P.PL-present.PRF

خرما خورده‌اند.

۴-۲-۵- گذشته اخباری - تأکیدی ناقص استمراری کامل

این زمان دارای ساختی دو قسمتی است. در قسمت اول، ماضی نقلی از فعل ربطی «داشتن» (نشان‌دهنده نمود استمراری کامل) صرف می‌شود. قسمت دوم، شامل پیشوند «mæ» (نشان‌دهنده نمود ناقص و وجه اخباری - تأکیدی) و سپس صرف ماضی نقلی از فعل اصلی است که مطابق فرمول زیر به دست می‌آید:

be(PST)-	əm(1P.SL)- æ(Present.PRF)+mæ/m+Verb(PST)-	əm(1P.SL)-æ(Present.PRF)
	i(2P.SL)-æ(Present.PRF)	i(2P.SL)-æ(Present.PRF)
	e:(3P.SL)-æ(Present.PRF)	e:(3P.SL)-æ(Present.PRF)
	im/imən(1P.PL)-æ(Present.PRF)	im/imən(1P.PL)-æ(Present.PRF)
	in(2P.PL)-æ(Present.PRF)	in(2P.PL)-æ(Present.PRF)
	ən(3P.PL)-æ(Present.PRF)	ən(3P.PL)-æ(Present.PRF)

جملات (۱۷) و (۱۸)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

17) dəšt-ən-æ

mæ-wt-ən-æ

be(PST)-3P.PL-PRF

AM-say(PST)-3P.PL-PRF

داشته‌اند می‌گفته‌اند.

18) dəšt-i-æ

mæ-čī-æ

be(PST)-2P.SL-PRF

AM-go(PST)-2P.SL-PRF

داشته‌ای می‌رفته‌ای.

۴-۲-۶- گذشته بعید اخباری تام کامل

این زمان که با نام‌های ماضی بعید یا گذشته کامل نیز شناخته می‌شود، در گویش خزلی، از ترکیب ستاک گذشته فعل و تکواژ پسوندی بعیدساز «-y» ساخته می‌شود. این تکواژ نقش فعل ربطی «بودن» در ساخت ماضی بعید را ایفا می‌کند. نمود فعل تام و کامل است؛ زیرا کنش در گذشته انجام شده و به پایان رسیدن کنش در زمان کنونی نیز ملموس است.

پارسال آن را خریده بوده‌اید.

26) de:šæw ee:wæxtæ xæft-y-mæn-æ
Lastnight this time sleep(PST)-Past.PRF-2P.PL(SBJ)-TNS

دیشب این ساعت خوابیده بوده‌ایم.

۴-۲-۱۰- گذشته شرطی - آرزویی تام کامل

این زمان از ستاک گذشته فعل، صورت واژه بستی شرطی - آرزویی «jɑ/jɑtɑ» و شناسه‌های مطابقت فاعلی به صورت فرمول زیر ساخته می‌شود:

bə-Verb(PST)- | jɑ/jɑtɑ(CON¹)-m(1P.SL)
| jɑ/jɑtɑ/jɑ(CON)-i/id(2P.SL)
| jɑ/jɑtɑ(CON)- Ø/g(3P.SL)
| jɑ/jɑtɑ(CON)-im/imæn(1P.PL)
| jɑ/jɑj(CON)-dɑn(2P.PL)
| jɑ/jɑtɑ(CON)-n(3P.PL)

جملات (۲۷) و (۲۸)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

27) kæškya bə-č-jɑtɑ-m
wish SUB-go(PST)-CON-1P.SL

کاش رفته بودم.

28) ær bə-sæn-jɑj-dɑn
If AM-buy(PST)-CON-2P.PL

اگر خریده بودید ...

۴-۲-۱۱- گذشته شرطی - آرزویی - تأکیدی ناقص استمراری کامل

این زمان در گویش خزلی، بسیار کم کاربرد است و در حد ترجمه تحت‌اللفظی به کار می‌رود. زمان فعل: گذشته، وجه فعل: شرطی - آرزویی و نمود فعل: ناقص استمراری کامل است. ساخت فعل آن دو قسمتی است که در قسمت اول، ماضی بعید استمراری از فعل ربطی «داشتن» صرف می‌شود. قسمت دوم شامل پیشوند «mæ-» (بیان‌گر ناقص بودن نمود)، اسم مفعول از فعل اصلی، تکواژ شرطی - آرزویی «-jɑ-»، پسوند بعیدساز «-y» و در آخر نشانه‌های مطابقت فاعلی است.

be(PST)-y(Past.PRF)-ɑ(PRG)- | m(1P.SL) +mæ-Verb(PST)-jɑ(CON)-y(Past.PRF)- | m(1P.SL)
| id(2P.SL) | id(2P.SL)
| Ø/g(3P.SL) | Ø/g(3P.SL)
| imæn(1P.PL) | imæn(1P.PL)
| idɑn(2P.PL) | idɑn(2P.PL)
| n(3P.PL) | n(3P.PL)

جملات (۲۹) و (۳۰)، مثال‌هایی از صرف فعل در این زمان هستند:

- 29) ær dɑʃt-y-ɑ-imən mæ-sæn-jɑi-y-imən
if be(PST)-Past.PRF-PRG-1P.PL AM-buy(PST)-CON-Past.PRF-
1P.PL

اگر داشته بودیم می‌خریده بودیم ...

- 30) xwæzæw dɑʃt-y-ɑ-idən kɑr-æ- mæ-kærd-jɑi-y-dən
wish be(PST)-Past.PRF-2P.PL job-LNK-AM-do(PST)-CON-
Past.PRF-2P.PL

کاش داشته بودید کار می‌کرده بودید.

۴-۳- زمان آینده

در گویش خزلی، بازنمایی صرفی زمان حال و آینده به طور کاملاً یکسان است و تنها موقعیت بافتی یا قیده‌های زمان تعیین‌کننده زمان دستوری فعل است. جملات (۳۱) و (۳۲) به روشنی این موضوع را نشان می‌دهند:

- 31) ?ælan kətaw-æ' mæ-sin-əm
Now book-DEF AM-buy(PRS)-1 P.SL

الآن کتاب را می‌خرم.

- 32) su kətaw-æ' mæ-sin-əm
Tomorrow book-DEF AM-buy(PRS)-1 P.SL

فردا کتاب را می‌خرم (خواهم خرید).

همان‌طور که در مثال‌های بالا دیده می‌شود، در کردی خزلی، حضور قید زمان برای نشان دادن زمان دستوری حال و متمایز کردن آن از زمان آینده الزامی است؛ زیرا تفسیر حال یا آینده بودن زمان دستوری در غیاب قید زمان، جز از راه موقعیت متنی، مقدور نیست.

۵- نتیجه‌گیری

نوشتار پیش رو نشان داد که در گویش خزلی ترکیب سه مقوله زمان، وجه و نمود دارای پانزده حالت مختلف بازنمایی است که هر کدام از این پانزده ساخت، یک زمان دستوری نامیده می‌شود. در این گویش، زمان‌های گذشته و حال بازنمایی صرفی دارند، اما زمان آینده بازنمایی صرفی ندارد. این موضوع با دیدگاه ویسی‌حصار (۱۳۹۴) در مورد زبان کردی موکریانی هم‌سو است که وی زمان آینده در زبان کردی را دارای هیچ‌گونه رمزنگاری مستقل ساخت‌واژی نمی‌داند بلکه شرایط بافتی یا

عبارت‌های خاص زمانی مانند قیود زمانی از راه مطابقت مشخصه‌های نحوی - صرفی تفسیر این زمان را ممکن می‌سازد؛ همچنین در این گویش پنج نمود تام، ناقص استمراری، ناقص غیر استمراری، کامل و ناکامل صورت‌بندی می‌شوند. افزون بر این، پنج وجه قابل بازنمایی است: اخباری، اخباری - تأکیدی، امری، التزامی و شرطی - آرزویی.

بازنمایی نموده‌های کامل و ناکامل مقارن با نمودهای تام و ناقص در بعضی از زمان‌های دستوری در گویش خزلی با دیدگاه کامری (۱۹۷۶) هم‌سو است که وی به الزام نمود تام را عین نمود کامل و همچنین نمود ناقص را عین نمود ناکامل ندانسته است. کامری (۱۹۷۶) تقابل نمود تام و ناقص را مربوط به ساختار درونی فعل دانسته است، در حالی که، تقابل نمودهای کامل و ناکامل را با ساختار درونی فعل مرتبط نمی‌داند. به باور کامری (۱۹۷۶) تمام شدن یا نشدن رویداد در لحظه زمانی مورد نظر مبنای کامل یا ناکامل بودن نمود است؛ اما برای قضاوت در مورد تام یا ناقص بودن نمود، دسترسی یا عدم دسترسی به ساخت درونی فعل مبنای کار است.

چنانچه، گزاره به ساخت درونی فعل دسترسی داشته باشد نمود تام و در غیر این صورت نمود ناقص است. از پانزده زمان دستوری قابل بازنمایی در گویش خزلی چهار زمان مربوط به حال و یازده زمان مربوط به گذشته است. چهار زمان دستوری حال عبارت‌اند از: حال ساده ناقص غیر استمراری ناکامل، حال اخباری ناقص استمراری ناکامل، حال امری ناقص غیر استمراری ناکامل و حال التزامی ناقص غیر استمراری ناکامل. یازده زمان دستوری گذشته نیز عبارت‌اند از: گذشته اخباری تام ناکامل، گذشته اخباری ناقص غیر استمراری ناکامل، گذشته اخباری تام کامل، گذشته اخباری - تأکیدی ناقص استمراری کامل، گذشته بعید اخباری تام کامل، گذشته بعید اخباری - تأکیدی ناقص استمراری کامل، گذشته بعید اخباری - تأکیدی ناقص استمراری ناکامل، گذشته ابعاد اخباری تام کامل، گذشته شرطی - آرزویی تام کامل، گذشته شرطی - آرزویی ناقص استمراری کامل. برخی از این زمان‌های دستوری در گفتگوهای روزمره کاربرد زیادی ندارند و بیشتر در هم‌سنجی ترجمه‌ای با زبانی دیگر بازنمایی آن‌ها ملموس است.

در مورد نظام زمان - وجه - نمود در کردی خزلی مطالعات زیادی انجام نشده است و تنها گوهری و دیگران (۱۳۹۸) به بررسی ترکیبی‌بودگی این نظام در گویش خزلی پرداخته‌اند. این گویش دارای ساخت فاعلی - مفعولی یگانه است و در بررسی ساختمان فعل، هیچ‌گونه ساخت کنایی در آن

مشاهده نشد. نشان‌گرهای وجه - نمود در گویش خزلی با نتایجی که دبیرمقدم (۱۳۹۲) و کریمی‌دوستان (۱۳۸۰) در مورد پیشوندهای نشان‌دهنده وجه - نمود در دیگر گویش‌های زبان کردی بیان کرده‌اند، هم‌سویی دارند.

منابع

- خوشبخت، طیبه (۱۳۸۴). *توصیفی زایشی از نظام آوایی کردی خزلی (دهستان کارزان ایلام): رویکردی خطی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبانهای ایرانی (جلد دوم)*، تهران: سمت.
- شقایق، ویدا (۱۳۹۴). *فرهنگ توصیفی صرف*. تهران: انتشارات علمی.
- عباسی، بیستون و آرزو نجفیان (۱۳۹۵). *نظام زمان - وجه - نمود در گویش هورامی پاوه*. فصلنامه *زبان‌شناسی اجتماعی*، ۱ (۱)، ۷۲-۹۱.
- کرزون، جرج، ن. (۱۳۸۷). *ایران و قضیه ایران*. جلد ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۸۰). *کردی ایلامی (بررسی گویش باره)*. سنندج: دانشگاه کردستان.
- گوهری، حبیب؛ طیبه خوشبخت؛ اکبر عزیزی‌فر؛ غلامحسین کریمی‌دوستان و مسعود میرزاییگی (۱۳۹۸). *بررسی تحلیلی-ترکیبی بودگی مقوله‌های تصریفی فعل در کردی خزلی*. فصل‌نامه *مطالعات و گویش‌های غرب ایران*، ۸ (۳)، ۹۱-۱۰۸.
- مرادی، روناک (۱۳۹۱). *وجه‌نمایی و وجه در کردی سورانی: رویکردی نحوی و معنایی*. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- (۱۳۹۲). *فعل‌های کمکی وجهی در کردی سورانی*. فصلنامه *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱ (۲)، ۱۱۷-۱۳۴.
- ویسی‌حصار، رحمان (۱۳۹۴). *زمان و نمود در کردی موکریانی*. فصلنامه *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۲ (۸)، ۱۰۱-۱۲۴.

References

- Augustine, S. (1960). *The Confessions of St Augustine*. Trans. and intro. John K. Ryan. Garden City: Image (Doubleday).
- Bickel, B., & Nichols, J. (2013). *Inflectional Synthesis of the Verb*. In: Dryer, Matthew S. & Haspelmath, Martin (eds.) *The World Atlas of Language Structures Online*. Leipzig: Max Planck Institute for Evolutionary Anthropology. (Available online at <http://wals.info/chapter/22>, Accessed on 2017-06-08.)
- Booij, G. (2007). *The grammar of words. An introduction to linguistic morphology*. Oxford: Oxford University Press.

- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press.
----- (1985). *Tense*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cruse, A. (2006). *A Glossary of Semantics and Pragmatics*. Edinburg: Edinburg University Press.
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6th Edition. Blackwell Publishing.
- Dryer, M. S. & Haspelmath, M. (eds.) (2013). *The World Atlas of Language Structures Online*. Leipzig: Max Planck Institute for Evolutionary Anthropology. (Available online at <http://wals.info>, Accessed on 2018-10-30.)
- Givón, T. (2001). *Syntax, an introduction*. Volume I. John Benjamins Publishing Company: Amsterdam / Philadelphia.
- Lambton, A. K. S. (1974). *Persian Grammar: including key*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mithun, M. (1999). *The languages of Native North America*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. R. (2001). *Mood and Modality*. 2nd Ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shopen, T. (1981). *Language Typology and Syntactic description, 2nd Ed. (Volume III), Grammatical Categories and the Lexicon*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Spencer, A. (1991). *Morphological Theory: An introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell.
- Spencer, A. (2013). *Lexical Relatedness; A Paradigm-Based Model*. First Ed. Oxford: Oxford University Press.
- Stump, G. T. (2001). *Inflection, The Handbook of Morphology*. Blackwell Publishing.